

بررسی و شناسایی چالش‌های توسعه و صادرات خدمات فنی مهندسی در حوزه نفت و گاز

محمد علی شاه حسینی^۱، محمد فقیه علی آبادی^۲

چکیده:

ضعف در صادرات خدمات فنی و مهندسی نفت و گاز نه تنها فرصت توسعه ملی را از ایران می‌ریاید، بلکه این ضعف در دراز مدت به عنوان تهدید قلمداد می‌گردد، چرا که اگر همچون امروز تنها تکیه بر صادرات انرژی باشد و از دانش آن در جهت توسعه خدمات فنی و مهندسی در خارج از مرزها استفاده نگردد، طبق برآوردها در آینده ای نه چندان دور، ایران از صادر کننده خالص انرژی به وارد کننده آن تبدیل می‌گردد. توسعه صادرات خدمات فنی و مهندسی نفت و گاز و درآمدزایی از طریق آن نه تنها امکان حفظ این انرژی با رویکردی بلند مدت را فراهم می‌کند، بلکه توان کشور را در زمینه‌های ارز آوری، ایجاد اشتغال، ارتقاء فناوری و دانش فنی، بهبود روابط سیاسی و صدور فرهنگ و تمدن بالا خواهد برد. اما با وجود تلاش‌های بسیار در توسعه دانش فنی، کماکان این مسیر با انسدادهای بیشماری روبروست. در این مقاله، بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای و مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته کیفی از نخبگان، و با رویکرد تحلیل تم، مدل مفهومی تبیین گردیده که به واکاوی گلوگاه‌های توسعه نظام فنی و مهندسی صنعت نفت پرداخته است. همچنین از دستاوردهای این مقاله می‌توان به شناسایی موانع در سه حوزه زمینه، رفتار و ساختار اشاره کرد.

تاریخ دریافت مقاله:

۱۳۹۱/۱۲/۲۱

تاریخ پذیرش مقاله:

۱۳۹۲/۳/۳۰

کلمات کلیدی:

صادرات، خدمات فنی و مهندسی، نفت و گاز، تحلیل تم، زمینه، رفتار، ساختار

مقدمه

بیش از یکصد سال پیش اولین آثار ذخایر عظیم هیدروکربوری جهان با اکتشاف از میدان های نفتی ظاهر شد. در آن روزگار، تخمین و برآورد این حجم از ذخایر بسختی به ذهن ها خطور می کرد، ولی در این میان، کشورهایی که سودای فتح آینده را داشته اند، راهبردهای توسعه خود را تدوین کردند.

امروزه تعداد کشورهایی که صاحب فناوری پیشرفته در بخش هایی همچون اکتشاف، استخراج و فرآوری هستند، بسیار محدود است و در بین آنها کشورهایی را هم می توان یافت که از این ثروت طبیعی محروم هستند و لیکن اندیشه سالهای قبل آنان بر تدوین راهبرد توسعه، موجب شده است تا امروز کشورهای صاحب این ذخائر به آنان نیازمند باشند. در بین کشورهای دارای فناوری پیشرفته نفت، کشورهای صاحب این ذخائر نیز وجود دارند که برای استقلال در نحوه و میزان استفاده از این ذخائر به توسعه صنعت نفت خود توجه جدی کرده اند. گرچه امروز صنعت نفت کشور ایران به درجه ای از اعتبار رسیده و می تواند تا حدودی پروژه های ملی را سر و سامان دهد، ولی به نظر می رسد با تدبیر بیشتر بتوان به جایگاهی مطمئن در خدمات فنی و مهندسی و توسعه آن به خارج از مرزها و به بازارهای جدید نفتی دست یافت به گونه ای که هم نیاز پروژه های خود را پاسخگو باشیم و هم در منطقه به عنوان یک کشور صاحب فناوری پیشرفته در کنار شرکت های بزرگ نفتی جهان از این توانائی کسب درآمد نمائیم و مهمتر از همه از یک صادرکننده خام، به صادرکننده دانش فنی و اجرایی تبدیل گردیم. متأسفانه ضعف در صادرات خدمات فنی و مهندسی نفت و گاز نه تنها فرصت توسعه ملی را از ایران می رباید، بلکه این ضعف در دراز مدت به عنوان تهدید قلمداد می گردد. اگر همچون امروز تنها تکیه بر صادرات انرژی باشد و از دانش آن در جهت توسعه خدمات فنی و مهندسی در خارج از مرزها استفاده نگردد، طبق برآوردها در چشم انداز ۱۴۰۴، ایران از صادرکننده خالص انرژی به وارد کننده آن تبدیل می گردد. [3]

بدون تردید، اگر راهبرد توسعه صنعت نفت بر پایه توسعه و صدور خدمات و فناوری صنعت نفت و گاز تدوین شود، می توان انتظار داشت که در سالهای آتی درآمد حاصل از این فعالیت به مرور، جایگزین درآمد حاصل از فروش نفت در بودجه کشور برای نسلهای آینده گردد. دستیابی به این چشم انداز مستلزم آن است که دست به کالبد شکافی صنعت نفت و گاز زده و با دیدی بالینی، چالش های بنیادی آن را شناسایی و در جهت رفع آن اقدام نمود.

بیان مسأله

با شروع عصر صنعت، نفت، یک نقش حیاتی در اقتصاد این سرزمین ایفا کرده است و تا به امروز، این نقش تا آنجا به حیات این سرزمین گره خورده است که هرگونه نوسانی در آن، خود را در ناپیدا ترین زوایای اقتصاد این سرزمین نشان می دهد. این امر کشور را به سمت یک اقتصاد تک قطبی کشانده و چالش های بسیاری را سبب گشته که دامنه آن هم

دامان سیاست را گرفته و هم معیشت مردم را به سوی دام های فراوان سوق داده، هم اصول یک اقتصاد آزاد را به چالش کشانده و هم بی‌نظمی‌های مدنی را سبب گشته است. لذا فهم درست ادبیات توسعه در دوران مدرن و درک منطقی از پارادایم امروز و شناخت مرز های آن و تفسیری نو از سلطه قدرت، ثروت و دانش، و انعکاس آن در خدمات فنی و مهندسی، به عنوان رویکردی نو در خصوص گفتمان غالب در پارادایم امروز و پیوند آن با توسعه ملی و شناسایی جایگاه دولت به عنوان موتور توسعه و ربط آن با صنایع کشور و درک عقلانیت و تلاش برای نهادینه کردن آن در صنعت نفت و گاز کشور، بسیار اهمیت دارد.

تمامی موارد اشاره شده، دلایلی را پیش کشانده است تا نظام نفتی ایران، در صدد اصلاح خویش برآید، نقص ها را جبران کند و راه را از کوره راه تمیز دهد که از آن جمله می توان به چرخشی که در چشم انداز نظام نفتی پدید آمده است، اشاره داشت؛ چرخشی که بسیار میمون و پر برکت است و در آن، سخن از تمرکز در مبانی دانشی و مهندسی و توسعه و صدور آن می باشد، گرچه این تازگی با خود نوید های بسیاری دارد که از آن جمله می توان به رهایی نظام نفتی از رخوت و سستی اشاره داشت، اما مصائب پیش رو و پیش آمده در خصوص غفلت از مبانی توسعه خدمات فنی و مهندسی و مبادی ساختاری و مدیریتی آن، این ضرورت را ایجاب می کند تا این امر به تیغ نقد و بحث و فحص بنشیند تا این توان را بیشتر و بهتر یابد که در مسیر توسعه، گام های منطقی برداشته شود.

ادبیات تحقیق و پیشینه موضوع

چرخش در اتخاذ راهبردهای توسعه ملی بالاخص در کشور های جنوب شرق آسیا و تمرکز بر صنایع مادر و توسعه خدمات دانشی و خلق مزیت رقابتی جهانی و صدور آن به خارج از مرز های سیاسی و کسب مزیت های سرشار از آن، نشان از اهمیت بالای صنایع مادر در توسعه ملی و در پارادایم دانایی است. اما صنعت نفت ایران با صد سال سابقه و سی سال شعار توسعه، در تحقق اهداف و چشم اندازها بویژه در خصوص خدمات فنی و مهندسی و صدور آن، با مشکلاتی مواجه می باشد که آن را می توان در دو دسته کلان ایدئولوژیکی و ساختاری نشان داد و به همین شکل در گونه شناسی موانع، آنها را در سه گونه رفتار، ساختار و زمینه تقسیم بندی کرد. در موانع ساختاری، اشاره به قواعد و قوانینی ناهمگون و نامتوازن است و در موانع رفتاری، مراد کج رفتاری و کج اندیشی است و منظور از موانع زمینه‌ای، بستری است که کم توجهی به عقل‌گرایی در آن، تمامی بدنه یک نظام را به چالش می کشاند. این موانع نهایتاً نظم و نسق نظام صنعتی را به چالش های بسیار کشانده اند و لذا به رغم مزیت های فراوان در نظام نفتی، شاهد از دست دادن فرصت های بیشماری در بازار های بین المللی باشیم.

تا به حال تحقیقات زیادی در زمینه خدمات انجام گردیده است، اما در این تحقیقات، خدمات را معمولاً به گونه‌ای عام در نظر گرفته اند و بندرت شامل مرزبندی های مناسب در این حوزه هستیم. در خصوص خدمات فنی و مهندسی نیز باید گفته شود که در این چند سال اخیر، بر اساس نیازهای احساس شده، تحقیقات مناسبی در این خصوص انجام شده است که

به اخذ و رفع موانع و شناسایی عوامل موثر بر ترقی آن پرداخته شده است، اما این حضور در توسعه نظام دانشی، و فنی و مهندسی، در صنعت نفت و گاز ایران به کم‌رنگی دیده می‌شود. از پژوهش‌های کارآمد انجام‌گرفته می‌توان به کار آقای صباغی و همکاران در سال ۱۳۸۲ اشاره داشت که در آن، راهبردهای تقویت شرکت‌های داخلی در مقابل شرکت‌های خارجی در پروژه‌های نفت، گاز و انرژی مورد مطالعه قرار گرفته است و همینطور تحقیق آقای ابراهیمی و همکاران در سال ۱۳۸۴ که به بررسی ویژگی‌های شرکت‌های موفق پیمانکاری پروژه‌های صنایع نفت و گاز و شناسایی چالش‌های پیش‌رو پرداخته است. بر اساس این پژوهش، رشد بسیار سریع و نامتوازن شرکت‌های داخلی یکی از چالش‌های اساسی در این زمینه است. همچنین پایان‌نامه خانم فاطمه سعادت با عنوان «شناسایی موانع، مشکلات و طراحی راهکارهای بازاریابی صادرات خدمات فنی و مهندسی» در سال ۱۳۸۵ از دانشگاه تربیت مدرس و پایان‌نامه خانم معصومه روستایی با عنوان «بررسی راه‌های توسعه صادرات خدمات فنی و مهندسی در حوزه نفت و گاز به کشور عراق» در سال ۱۳۹۰ که از نوع کاربردی، اکتشافی و توصیفی می‌باشد و طبق نتایج آنها، حمایت‌های دولت، انجام فعالیت‌های بازاریابی، کسب عوامل فنی، موارد دانشی، عوامل مالی، و عوامل قانونی مواردی می‌باشند که میزان توجه به هر یک، میزان کیفیت خدمات فنی و مهندسی در حوزه نفت و گاز را بالا می‌برد. اما در تحقیقات انجام‌گرفته، توجه کمی به مسائل ریشه‌ای و بالینی در توسعه خدمات فنی و مهندسی در صنعت نفت و گاز شده است و کمبود چنین رویکردی در تبارشناسی نفت ایران، ضرورت برداشته شدن گام‌های اولیه در این حوزه را می‌طلبد و این پژوهش در راستای پیشبرد این امر می‌باشد.

روش تحقیق

پژوهش مورد نظر با عنوان شناسایی چالش‌های صدور خدمات فنی و مهندسی در صنعت نفت و گاز ایران، پژوهشی در راستای شناخت بنیادین از موانع توسعه صادرات خدمات فنی و مهندسی در حوزه نفت و گاز است و بدین منظور، در این پژوهش، روش کیفی با رویکرد تحلیل محتوایی برگزیده شده است و در یک فرایند تبارشناسانه و از طریق مصاحبه با نخبگان (همچون مدیران، معاونین و کارشناسان وزارت نفت و گاز که حسب نظر این افراد، از آورده شدن نام آنها پرهیز شده است)، گلوگاه‌ها شناسایی شده و در نهایت، با ارائه آنها در یک مدل مفهومی، سعی در فهم بهتر شناسایی شکاف‌های ارزشی در جهت توسعه خدمات فنی و مهندسی در نظام نفت و گاز کشور انجام گرفته است.

روش انجام این پژوهش، تحلیل محتوای مصاحبه است که جزء روش‌های پژوهش کیفی به شمار می‌آید. در پژوهش کیفی، شکل‌گیری مفهوم یک بخش اصلی از تحلیل داده‌هاست و طی جمع‌آوری داده‌ها شروع می‌شود. به عبارتی دیگر، نظریه و اطلاعات به موازات هم حرکت می‌کنند و مکمل یکدیگرند [1]. در پژوهش حاضر، مصاحبه‌ها ابتدا با سؤالات کلی شروع و سپس بر اساس مطالب بیان‌شده ادامه می‌یافت. در این تحقیق جهت تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه از روش تحلیل تم استفاده شده است. تحلیل تم به طور تقریبی رایج‌ترین رویکرد برای تحلیل داده‌ها در علوم اجتماعی به شمار می‌رود و روشی برای تعیین، تحلیل و بیان الگوهای موجود در دیدگاه مصاحبه‌شوندگان می‌باشد.

بنابراین در این پژوهش، بر مبنای رویکرد تمی، ابتدا متون مصاحبه ها بررسی شده و با توجه به جملات و نکات کلیدی در مصاحبه ها، به کد گذاری آنها پرداخته شده و پس از کد گذاری اولیه، محقق کدها را با هم ترکیب نموده و آنها را در دسته‌های مشابه هم در طبقات انتزاعی به نام مفاهیم (تم های فرعی) قرار می دهد و در نهایت، از طبقه بندی مفاهیم مشابه و مربوط طی ۱۶ مصاحبه، به یک مدل مفهومی متشکل از هشت تم اصلی رسیده است که به ترتیب شامل دولت توسعه طلب، صنعت، صنعت نفت و گاز، انگیزش، عوامل مالی، عوامل قانونی، عوامل فناورانه و فنی و عوامل ساختاری و مدیریتی می باشند.

به عنوان نمونه، در شکل (۱) عامل انگیزش به عنوان تم اصلی است که از اجماع تم های فرعی که در شکل (۱) مشاهده می شود، تشکیل یافته است. به همین ترتیب، هر یک از تم های فرعی (مانند عدم توجه به نیروی انسانی) در جای خود، به عنوان تم اصلی محسوب می شود که تشکیل یافته از مجموعه ای از تم های فرعی است (تمامی این تم ها بر اساس نظر خبرگان تعیین گشته اند). هر تم اصلی نسبت به تم بالاسری خود به عنوان تم فرعی محسوب می گردد و این زنجیره تا آن جا ادامه یافته است که در نهایت، تم های نهایی مشخص گشته اند.



شکل (۱) عامل انگیزش و تم های فرعی آن

قابل ذکر است که در فراگرد تجزیه و تحلیل داده ها، شناسایی و طبقه بندی تم های اصلی بر مبنای سه مقوله زمینه، ساختار و انگیزش صورت گرفته است و این گونه شناسی از تحلیل تم ها، (که در هیچ یک از تحقیقات گذشته انجام نگردیده است)، تلاشی است در جهت شناسایی دقیق تر موانع صدور خدمات فنی و مهندسی در صنعت نفت و گاز ایران.

طراحی مدل مفهومی

مدل مفهومی طی فرایند شکل گیری خود شامل چهار مرحله است که می توان آنها را در شکل های ذیل مشاهده کرد. در واقع، طی مراحل مصاحبه و اضافه شدن داده های جدید، شاهد رشد در پیکربندی مدل می باشیم که در نهایت و با

اتمام مصاحبه ها و طی مشاوره با خبرگان، مدل موردنظر به شکل نهایی خود رسیده است.

شکل (۲) نشان دهنده اولین مرحله از شکل گیری مدل مفهومی می باشد. این مدل، نتیجه اطلاعات اولیه کسب شده بر اساس داده های کتابخانه ای است. مطالعات انجام شده شامل مطالعه مدل سه شاخه ای، مدل الماس پورتر^۱، مدل اسکاپ^۲، مدل مفهومی توسعه ملی ترکمانی و مدل مفهومی توسعه صادرات خدمات فنی و مهندسی روستایی است. در شکل (۲)، موانع صدور خدمات فنی و مهندسی در نظام نفت و گاز ایران برآیندی از ادغام مدل های اشاره شده و شامل ۶ پارامتر به ترتیب، عوامل مالی، عوامل قانونی، توان رقابتی، سیاست های دولت، عوامل فناورانه و سیستم های مدیریتی می باشد. در این پارامتر ها، عامل رقابتی برگرفته شده از مدل پورتر است. عوامل رقابتی شامل عواملی می باشد که تولید ارزش می کنند مانند کیفیت عوامل مالی و قانونی برگرفته از مدل روستایی است و اشاره به منابع سرمایه ای دارد. عوامل قانونی اشاره به قواعد و قوانین بوروکراتیک دارد و عوامل فناورانه و سیستم های مدیریتی برگرفته از مدل ترکمانی است. عوامل فناورانه اشاره به عواملی است که تولید تکنیک می کنند که شامل فکر تکنیکی، ابزار تولید تکنیک و برنامه های تولید تکنیک است و عامل سیستم های مدیریتی شامل خرد مدیریتی است که مهمترین خصیصه آن، فهم عقلانیت در پارادایم های توسعه و مبانی آن همچون فهم درست از معنای مدرن دانش، قدرت و ثروت، و موارد دیگر در فرایند مدیریت است و عامل سیاست های دولت به عنوان یک عامل مشترک انتخاب گردیده است.

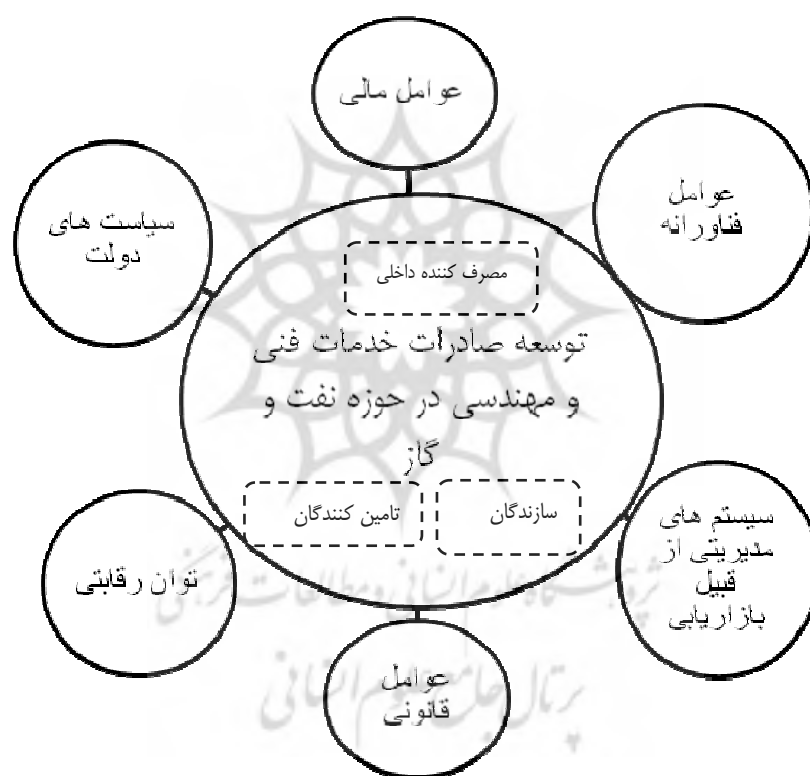


شکل (۲) اولین مرحله شکل گیری مدل مفهومی

1) Michael porter

2) scap

شکل (۳) نتیجه اولین بررسی از داده های کسب شده طی مراحل اولیه مصاحبه ها می باشد. همانطور که در شکل دیده می شود، سه پارامتر تامین کننده، سازنده و مصرف کننده به عنوان پارامتر های جدید وارد مدل گشته اند و این ورود به دلیل تاکید مصاحبه شوندگان بر وجود چالش های بیشمار برای سازندگان داخلی در جهت کسب بازارهای بومی است و به همین ترتیب، وجود موانع در امر تامین نیاز های حیاتی از جمله نیازهای فناورانه، می باشد و همچنین وجود گفتمانی خاص مابین مصرف کننده داخلی (وزارت نفت) و شرکت های ارائه کننده خدمات فنی و مهندسی است.



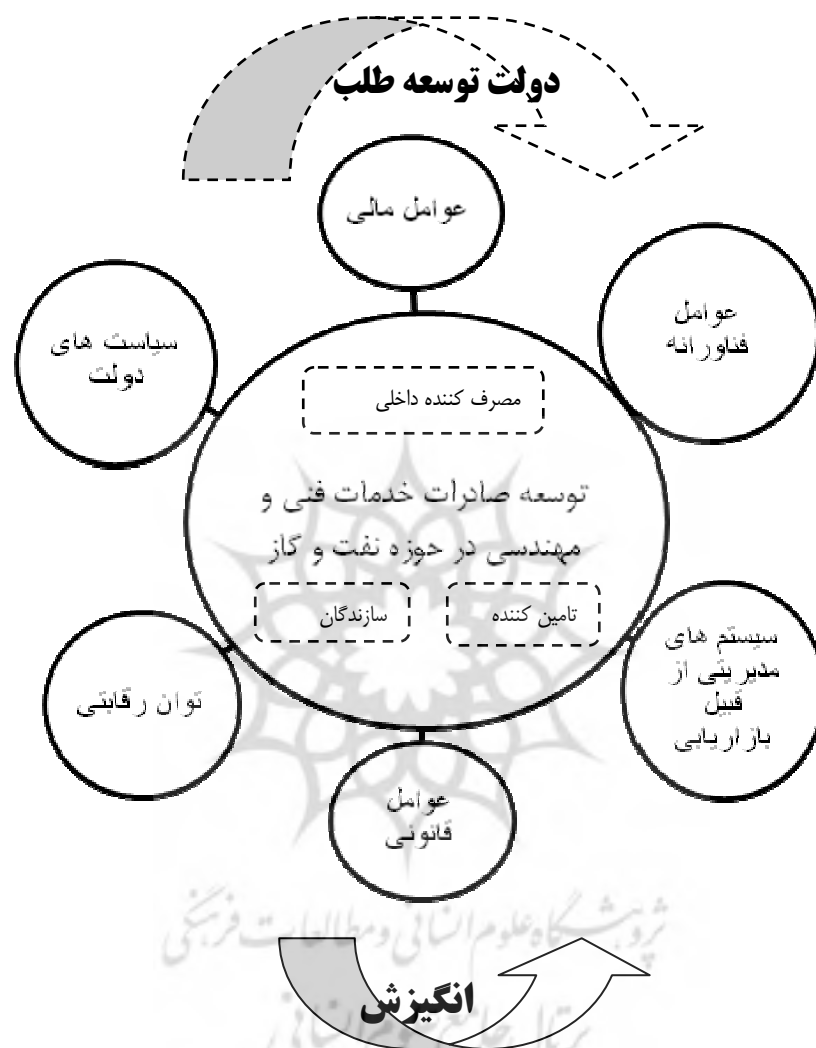
شکل (۳) دومین مرحله شکل گیری مدل مفهومی

شکل (۴) ، نشانگر سومین مرحله از شکل گیری مدل مفهومی است، همانطور که مشاهده می شود، با پیش روی مصاحبه ها و کسب اطلاعات جدید و طبقه بندی آنها و شکل گیری تم های جدید، شاهد تغییراتی ژرف در مدل مفهومی می باشیم. در این مرحله، بر اساس داده های کسب شده، دولت نقشی زمینه ای را پیدا کرده است و این بدان معنی است

که تمامی موانع از بستر دولت سرچشمه می‌گیرند و هر نوع غفلت در عقلانیت توسعه طلب، تغافل از توسعه را سبب خواهد گشت، لذا واجب است دولت رویکردی توسعه طلبانه داشته باشد. بر اساس دیدگاه ماکس وبر، توسعه محصول عقلانیت است. او همچنین عقلانیت را به معنای وجود الگو و مدل‌هایی قلمداد می‌کند که قابلیت تولید و خلق توانمندی را دارا می‌باشند. [2] این الگوها، مسئول انسجام بخشی به تمامی اعضا در جهت تحقق اهداف می‌باشند. وبر، سه خصوصیت را برای این الگوها بر می‌شمرد که شامل قابلیت در نظارت، کنترل پذیری و قابلیت در پیش بینی است. لذا دولت توسعه طلب در ابتدایی ترین مرحله باید این سه خصیصه را دارا باشد چرا که دولتی که قابلیت پیش بینی را نداشته باشد و نتواند مطالبات آینده را درک کند و به همین ترتیب، قابلیت نظارت و قدرت در سنجش کارکردهای خود را نداشته باشد، نمی‌تواند اساسا معنای توسعه را درک کند.

در ادامه مراحل مصاحبه، انگیزش به عنوان یک تم رفتاری مشخص شده است، طبق دیدگاه خبرگان طی مصاحبه‌ها، عواملی چون نبود سیاست‌های حمایتی دولت، بی‌ثباتی اقتصادی و سیاسی، نبود صادرات به عنوان یک ضرورت در دولت و عدم توجه به نیروی انسانی، ایجادگر شکافی عظیم در رویکرد جامعه صنعتی در خصوص تمایل به امر صادرات بالاخص در زمینه دانش فنی در حوزه نفت و گاز شده است. این شکاف به عنوان یک مانع رفتاری انتخاب شده است. موانع انگیزشی، برخلاف موانع ساختاری و زمینه‌ای، متکی بر عوامل رفتاری و روانشناختی می‌باشند.

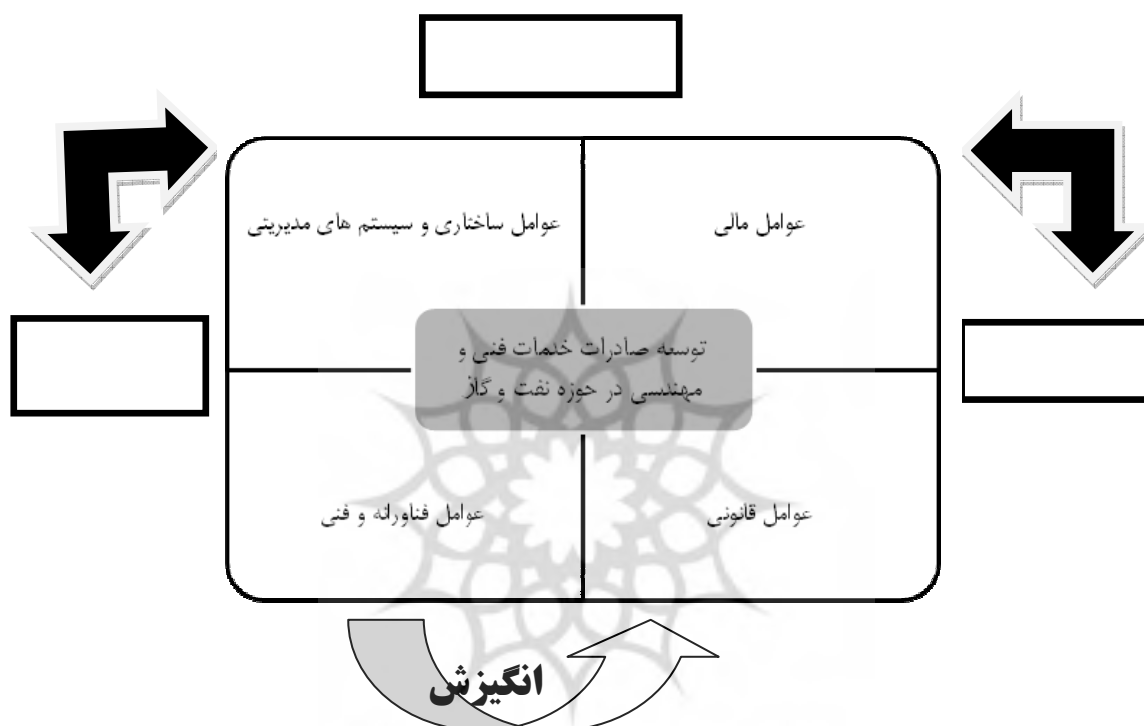
دیگر تم‌های مدل شامل عوامل قانونی، عوامل مالی، عوامل ساختاری (سیستم‌های مدیریتی) و عوامل فناورانه و فنی، به عنوان تم ساختاری تعیین گشته‌اند. همانطور که اشاره شد، عوامل ساختاری شامل فرایندهایی می‌باشند که در قالب قوانین، قواعد و الگوها جای گرفته‌اند. به طور مثال، عامل فناورانه، شامل سه فرایند فکر تکنیکی، ابزار تکنیکی و برنامه تکنیکی می‌باشد، تمامی این موارد خود را در قالب الگو و قواعدی خاص عرضه می‌کنند. به همین ترتیب، عوامل مالی و قانونی خود را بر اساس قواعد بوروکراتیک و یا دیگر الگوها عرضه می‌کنند و همینطور عوامل مدیریتی خود را در قالب الگوهای رفتاری و سازمانی جای می‌دهند. بر اساس دیدگاه مکاتب کارکردگرایان و اندیشمندی همچون دورکیم، پارسونز و پورتو عوامل ساختاری شامل فرم‌ها، قواعد و قوانینی می‌باشند که با تغییر در آنها شاهد اصلاح سیستم خواهیم بود. درواقع، این گونه رویکرد بر این باور است که با تغییر فرم‌ها، توسعه جوهری اتفاق خواهد افتاد. به همین ترتیب، این فرم‌ها قادرند زمینه را (همچون دولت) تابع رفتار خود گردانند. [4]



شکل ۴) سومین مرحله شکل گیری مدل مفهومی

شکل (۵) نشان دهنده آخرین مرحله از شکل گیری مدل مفهومی می باشد. تغییرات مشاهده شده در مدل نهایی نشان دهنده آخرین تجزیه و تحلیل، از داده های کسب شده و رسیدن به تم های نهایی می باشد. در مرحله آخر، علاوه بر دولت توسعه طلب، صنعت و صنعت نفت و گاز نیز به عنوان تم های زمینه ای معرفی شده اند. و این امر به دلیل اهمیت ویژه صنعت در امر توسعه خدمات فنی و همینطور نقش استراتژیکی صنعت نفت و گاز، در پیشرانگی توسعه خدمات فنی و مهندسی در این حوزه می باشند. و همینطور عنوان زمینه برای دولت، صنعت و صنعت نفت و گاز، بدین معنی است که تمامی چالش ها (چالش های رفتاری و ساختاری) بر بستر این سه زمینه می رویند.

همچنین در مدل مفهومی نهایی، توان رقابتی، سازندگان، تامین کنندگان و مصرف کنندگان، به عنوان تم های اصلی حذف گردیده اند و در سیر تحلیل داده ها به عنوان تم های فرعی مشخص شده اند.

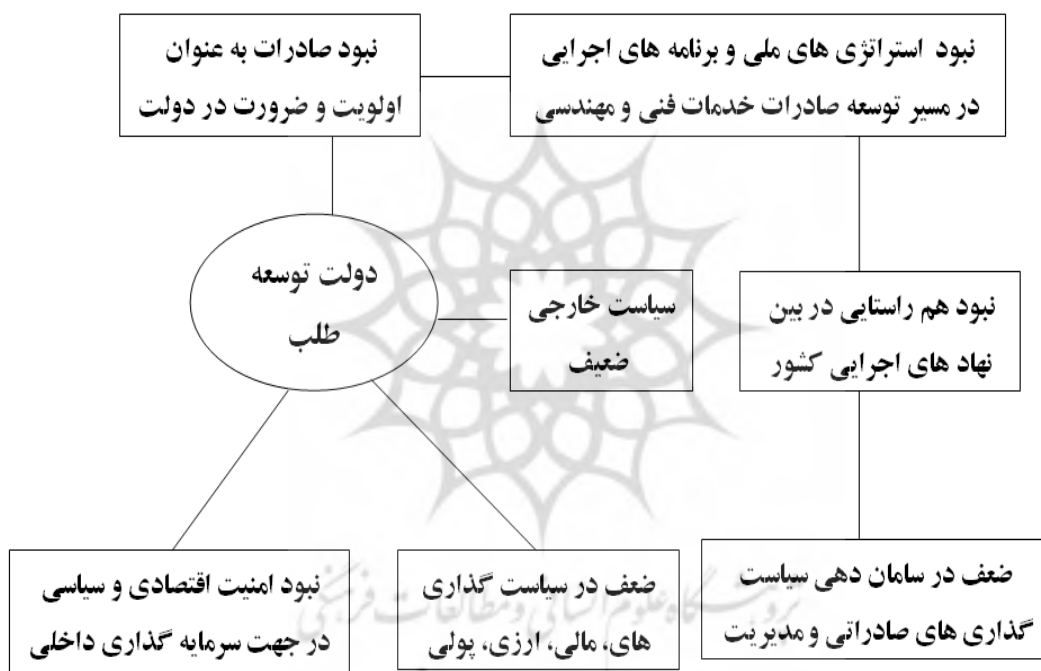


شکل ۵) آخرین مرحله شکل گیری مدل مفهومی

عنوان زمینه برای دولت، صنعت و صنعت نفت و گاز، بدین معنی است که تمامی چالش ها (چالش های رفتاری و ساختاری) بر بستر این سه زمینه می رویند. این امر در فرایند تحلیل نهایی تم های اصلی در سه بخش دولت، صنعت و صنعت نفت و گاز در اشکال (۶)، (۷)، (۸)، دیده می شود. قابل ذکر است که سه چالش زمینه ای مطرح شده دارای سلسله مراتبی می باشند که در این تسلسل، دولت در بالاترین جایگاه قرار داشته و بعد از آن به ترتیب صنعت و صنعت نفت و گاز می باشند. بر طبق این سلسله مراتب، چالش های ایجاد شده در هر یک از تم های زمینه ای متاثر از تم زمینه ای بالاسر آن می باشد.

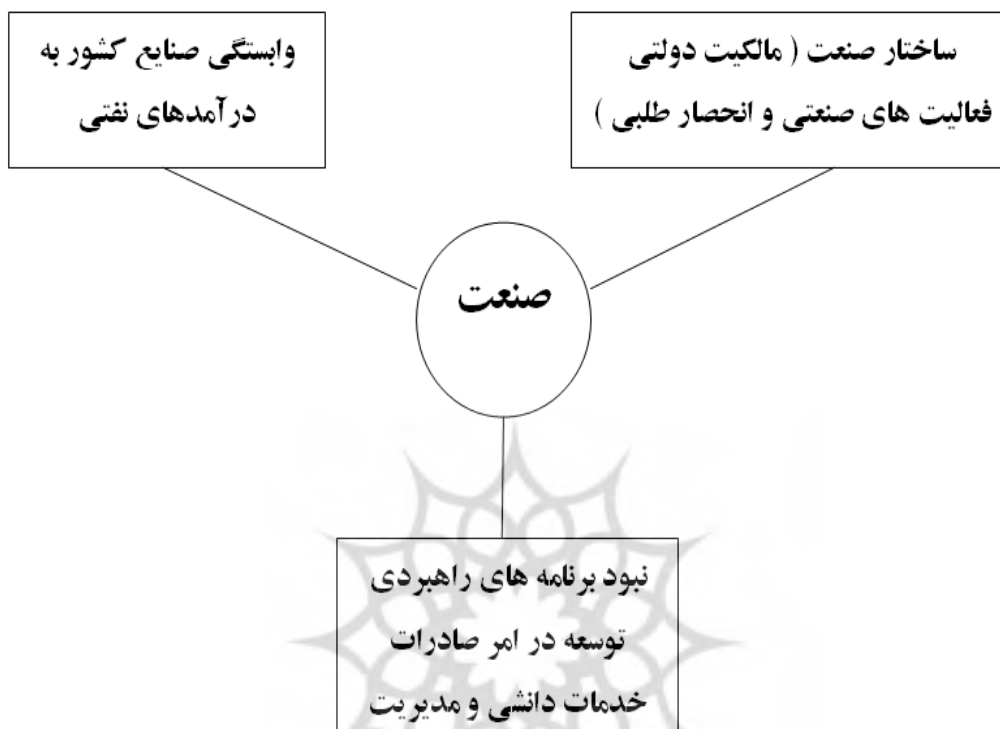
اولین تم اصلی و حیاتی مدل که بر مبنای داده های کسب شده از مصاحبه ها، به عنوان یک تم زمینه ای معرفی گردیده است، دولت توسعه طلب می باشد. نقش دولت توسعه طلب همانطور که طی مصاحبه ها، بارها و بارها بدان اشاره شد، به عنوان یک زمینه، تاثیر گذار در تولید تمامی موانع در امر صادرات خدمات فنی و مهندسی در صنعت نفت و گاز

می باشد. طبق آراء کسب شده از مصاحبه ها، اگر دولتی دچار اخلال در فهم توسعه باشد، یقیناً مسیر صادرات با چالش های بیشماری مواجه خواهد گشت و اولین چالش، عدم توانایی در ساماندهی سرمایه های داخلی و جهانی است. زیرا اگر دولتی در فهم توسعه ناتوان گردد، مسلماً در تعامل با نهاد های داخلی و همینطور با جامعه بین المللی دچار سردرگمی خواهد گشت و نتیجه آن، بی ثباتی داخلی و عدم رغبت در تولید خواهد بود. تمامی افراد مصاحبه شده، طی مصاحبه خود به شکل مستقیم و غیر مستقیم به نقش دولت اشاره داشته اند و دولت را به عنوان پتانسیل اصلی حرکت در مسیر توسعه صادرات خدمات فنی و مهندسی در حوزه نفت و گاز برشمرده اند.



شکل ۶) فرآیند تحلیل نهایی تم اصلی دولت

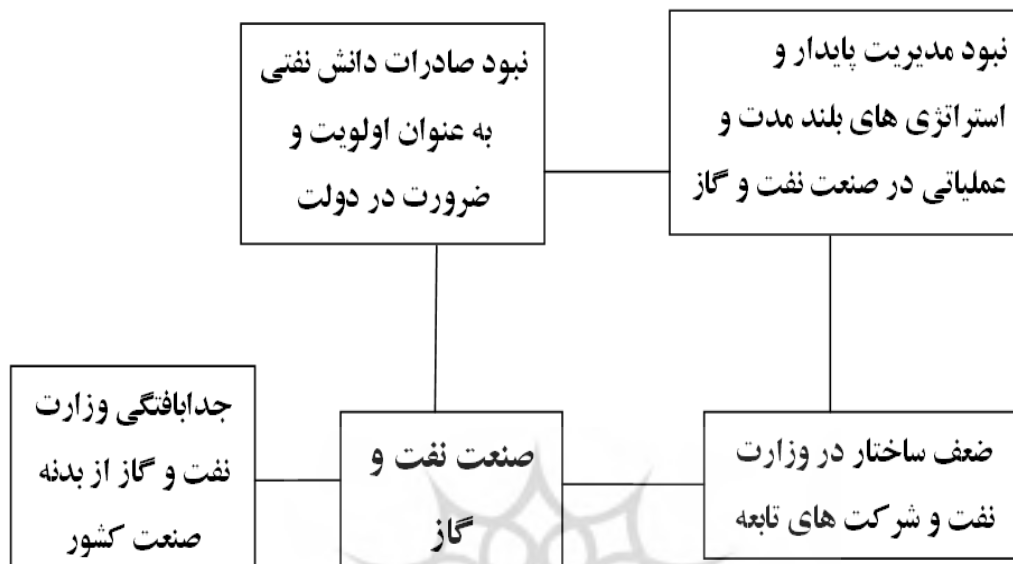
ضرورت مطرح شدن صنعت در مدل پژوهش، به عنوان یک عنصر جدا و همینطور به عنوان عنصر زمینه ای، وابسته به نقش و جایگاه پر اهمیت آن در توسعه و رشد اقتصاد یک سرزمین می باشد که طی مصاحبه ها، بکرات به آن اشاره شده است. طبق دیدگاه نخبگان طی فرایند مصاحبه ها، اولین رگه های توسعه خواهی در نظام مدرن را می توان در انقلاب صنعتی قرن ۱۸ دید و اگرچه انقلاب صنعتی، واژه ای متعلق به سال ها پیش می باشد، اما گذار تاریخ از ضرورت آن ناکاسته است. مسیر توسعه از مسیر صنعت می گذرد و کشور هایی همچون ایران برای دست یابی به اهداف خود همچنان نیازمند به فهم مجدد از توسعه نظام صنعتی خود می باشند.



شکل ۷) فرآیند تحلیل نهایی تم اصلی صنعت

صنعت نفت و گاز، بخشی حیاتی از صنعت ایران می باشد. ضعف در صادرات خدمات فنی و مهندسی نفت و گاز نه تنها فرصت توسعه ملی را از ایران می رباید، بلکه این ضعف در دراز مدت به عنوان تهدید قلمداد می گردد. اگر همچون امروز تنها تکیه بر صادرات مواد خام باشد و از دانش آن در جهت توسعه و صدور خدمات فنی و مهندسی در خارج از مرزها استفاده نگردد، طبق برآوردها در چشم انداز ۱۴۰۴، ایران از صادر کننده خالص انرژی به وارد کننده آن تبدیل می گردد. [3]

صنعت نفت و گاز، طبق حساسیت مصاحبه شوندگان و همینطور اهمیت آن در توسعه ملی، به عنوان سومین عامل مستقل و زمینه ای در مدل پژوهش مطرح شده است.



شکل ۸) فرآیند تحلیل نهایی تم اصلی صنعت نفت و گاز

تحلیل تم‌های کسب شده و نهایی سازی آنها بر اساس دیدگاه نخبگان، نشان از آن دارد که برآیند تمامی موانع در خصوص توسعه دانش نفت و گاز و صدور آن به خارج از مرزها و کسب درآمد، به موانع زمینه ای خواهد رسید. لذا بر اساس دیدگاه نخبگان، ترمیم فرم ها و قواعد نفتی تنها در صورت اصلاحات در سه حوزه زمینه ای اشاره شده نتیجه بخش خواهد بود. همچنین این نخبگان دیدگاه‌هایی چون مکتب شیکاگو را در خصوص ارتباط ترمیم فرم و ساختار و تاثیر گذاری آن بر اصلاح سه حوزه زمینه ای را رد کرده اند، طبق دیدگاه مکتب شیکاگو، اصلاحات در حوزه‌هایی چون ساختار، سازمان، مدیریت، فناوری و مالی و قانونی، نهایتاً نظام صنعتی و دولت را وادار به اصلاح خواهد کرد، اما بر اعتقاد نخبگان طی مصاحبه‌ها، مسیر اصلاحات از بالا باید صورت پذیرد و این مسیر بر اساس دیدگاه مکتب شیکاگو از پایین به بالا ممکن نخواهد بود. بر اساس دیدگاه نخبگان، بدنه اجرایی کشور فاقد انباشت تجربه است و دچار بیماری سیاست زدگی است و این ضعف خود را در تمامی حوزه‌ها نشان می‌دهد و موانع ساختاری، مدیریتی، مالی، قانونی و فناورانه نتیجه فقدان تجربه در بدنه اجرایی کشور و سیاست زدگی آن است که نهایتاً عقلانیت در نظام نفتی و گاز کشور را دچار بی نظمی‌های بسیاری کرده است.

نتیجه‌گیری

هشت تم اصلی سازنده مدل مفهومی این پژوهش اگرچه هر یک در جای خود به عنوان چالشی جدی در سیر تطور صدور خدمات فنی و مهندسی در حوزه نفت و گاز مطرح می‌گردند، اما در مجموع، بر اساس داده‌های کسب شده طی

مصاحبه ها، جملگی از یک بیماری مشترک رنج می کشند و آن نبود ساختار در بالاترین حلقه مدل می باشد که هم موجبات ضعف در رفتار تمامی بخش ها را سبب گشته و هم در نهایت، عملکرد صادرات خدمات فنی و مهندسی در حوزه نفت و گاز را به نازل ترین سطح خود کشانده است.

طبق داده های کسب شده، نبود ساختار در دولت و ضعف در انباشت تجربه و عدم رویکرد مناسب به صدور خدمات فنی و مهندسی در نفت و گاز و نداشتن راهبردهای مدون و عملیاتی، رفتار دولت را واژگون کرده و این واژگونی خود را به صنعت (و همانطور صنعت نفت) کشانده است و در نهایت، رفتار آن را نیز دچار ناخوشی های بسیار کرده است که نتیجه آن را می توان در بهم ریختگی و ناهمسویی بخش های مالی، قانونی و نبود ساختار های فناورانه و در نهایت، بحران در ساختار و مدیریت در نظام صنعتی و نفتی ایران دید که نهایتا عملکرد صادرات خدمات فنی و مهندسی در صنعت نفت و گاز را به پایین ترین سطح خود رسانده است.

طبق نظریات نخبگان طی فرایند مصاحبه ها، نبود ضرورت و اولویت توسعه خدمات فنی و مهندسی در برنامه های دولت، راه به دولت زدگی صنعت کشانیده است و انحصار، وارث صنعت دولت زده گشته است و در این انحصار، تنها بخش رانتی است که تقویت می شود نه بخش رقابتی بدین شکل. براینده هشت حوزه چالش خیز در زمینه صادرات خدمات فنی و مهندسی در صنعت نفت و گاز، به دولت کشیده می شود و مستقیما بی نظمی در برنامه های دولت را نشانه می گیرد چرا که طبق داده های کسب شده، تقدم دولت بر سایر امور وضوح کاملی دارد و بر مبنای مدل مفهومی، اگر توسعه، پیشرفت و تکامل اقتصادی دنبال می شود، باید دولت در کانون مباحث قرار گیرد.

البته در مباحث جاری کشور، کمتر به این مطلب بها داده شده و مشخص نیست علت این غفلت و این تغافل از امر دولت و ساختار آن چیست. این پژوهش نشان می دهد که معضلات و مشکلات اقتصادی این سرزمین، راههای کلان ساختاری و حتی سیاسی دارد. منتها وقتی صحبت از نوسازی می شود، عمدتا نگاه به پایین می باشد در حالی که وجه مهم از توسعه و نوسازی، توسعه یافتگی دولت می باشد.

پیشنهادهای کاربردی

در توسعه اقتصادی که مهمترین بخش آن توسعه خدمات، و در کشور ایران، توسعه خدمات فنی و مهندسی نفت و گاز با قدمت صد ساله است، هرچند بازار بایستی رفتار منطقی خودش را داشته باشد، نگاه های اقتصادی بهینه و با بهره برداری کامل کار کنند و نظم و نسق اقتصادی حاکم باشد، اما از آن طرف هم در کشور های درحال توسعه گفته شده که دولت لوکوموتیو توسعه است و دولتی می تواند توسعه را پیش برد که خودش توسعه یافته باشد. دولت عقب افتاده و عقب مانده نمی تواند حامل توسعه باشد و به عنوان یک جریان نوساز عمل کند. بنابر این، اگر از حیث توسعه به مسأله نگاه شود، دست مرئی دولت را همه جا باید دید.

طبق آراء نخبگان در طی مصاحبه های انجام گرفته، راه برون رفت از وضعیت فعلی شامل توجه دولت به موارد زیر می باشد:

- الزام در تدوین و اجرای سیاست های توسعه خدمات فنی و مهندسی و عملیاتی کردن آن
- تلاش در حفظ مدیریت پایدار
- پیوند صنعت نفت با دیگر صنایع
- وجود راهبردهای کلان و عملیاتی کردن آن
- رعایت معیار های عقلانیت بوروکراتیک که وبر آنها را دسته بندی کرده و در راس آنها « شایسته سالاری » است.
- دولت پاسخ گو، بدین معنا که دولت شاخک های قوی و حساس داشته باشد که بتواند تحولات صنعتی را پیش بینی کند و خود را برای مطالبات جدید آماده کند.
- ضد فساد بودن، یعنی دولت باید توانایی آن را داشته باشد که هم خوب منابع را استحصال کند و هم بخوبی آنها را تخصیص دهد و به دور از فساد های رایج منابع را هرز ندهد.
- تفکیک اداره از سیاست، دولت خوب باید بتواند امور جاری را از امور سیاسی منفک کند و مانع از آن شود که تحولات سیاسی دامنه اش گسترده شود و کل بدنه اجرایی را دچار دگردشت کند و در معرض تحولات مستمر قرار دهد و مانع از انباشت تجربه شود
- کاهش تصدی یکی از خصلت های مهم دولت توسعه گراست، دولت باید بتواند وظایف ستادی خودش را کاهش دهد و به وظایف و کارکرد های اصلی اش، برنامه ریزی و سیاست گذاری، بپردازد.
- هماهنگی بین نهاد های سیاست گذار و نهاد های اجرایی و ایجاد یکپارچگی عمودی و افقی در سطح کلان. بسیاری از چالش هایی که امروز با آنها دست به گریبان هستیم، ناشی از تناقض آمیز بودن وظایف بنیادین و ذاتی بین این نهاد ها می باشد.

منابع

- [۱] فقیهی، ابوالحسن؛ علیزاده، محسن، ۱۳۸۴، روایی در تحقیق کیفی. فرهنگ مدیریت، سال سوم، شماره نهم، ۵-۱۹
- [۲] محمدی، رحیم، (۱۳۸۲)، درآمدی بر جامعه شناسی عقلانیت، انتشارات باز، ۳۹-۴۰
- [۳] محمد علی شاه حسینی، ۱۳۸۸، " طراحی مدل سیاستگذاری تخصیص گاز کشور با رویکرد سیستم های پویا"، دانشگاه تهران پایان نامه دکتری، ۵۲
- [۴] نوابخش، مهرداد، (۱۳۹۰)، کاربرد نظریه های اجتماعی در روش شناسی تحقیق، انتشارات موسسه هنری و فرهنگی، ۴۱، ۴۲، ۴۹